

«گفت‌وگوی تمدن‌ها» از منظر قرآنی

مقدمه‌ای در زمینه‌های تئوریک

مهندس عبدالعلی بازرگان

بر مبنای قرآن کریم، اصل، اساس و مبدأ همه شریعت‌ها یکی است و گفت‌وگو میان آنان، به دلیل سرنوشت مشترک و تأثیرات متقابل میان آنان، طبیعی‌ترین توافقی است که باید انجام شود. گفت‌وگوی تمدن‌ها نوعی معارفه و شناخت میان اقوام و تمدن‌های متنوع است که هدف آن بر مبنای قرآن کریم، نفی برتری‌های قومی و نژادی و شناخت انسان‌ها از یکدیگر می‌باشد.

آیا می‌دانید در قرآن بعد از نام «الله»، از نظر آماری مشتقات کلمه «قال» یعنی «گفتمان» بیش‌تر از کلمات دیگر است و این واژه حتی از نام «رب» کاربرد بیش‌تری در این کتاب یافته است؟^۱

آیا می‌دانید پیامبر اسلام آن‌قدر به گفتمان با مردم و گوش کردن صبورانه به نظریات مخالفین اهمیت می‌داد و در دورانی که انسان‌ها ارزشی برای زمامداران نداشتند، آن‌قدر برای استماع نظریات آنان صرف وقت می‌کرد که منافقین از روی تمسخر او را «گوش» می‌نامیدند و خداوند نیز تأکید می‌کند: «گوش خیر است برای شما»؟^۲

آیا می‌دانید قرآن نه تنها غایبانه درباره مخالفین قضاوت نکرده و تنها به قاضی وجدان‌ها نرفته، بلکه داوطلبانه نظریات و نقدهای نیش‌دار آنان را علیه خدا و پیامبر و قیامت صریحاً نقل کرده و بیش از هر کتاب دینی و ایدئولوژیک در دنیا میدان و مهلت کافی به مخالفین داده است؟^۲

آیا می‌دانید قرآن با نفی برتری‌های قومی و نژادی و تکیه بر تقوا (نیروی بازدارنده نفس از تبه‌کاری) به عنوان تنها شرط کرامت و برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر، دلیل تکثر تمدن‌ها و تنوع اقوام و قبایل و ملل را در «معارفه» و شناخت یکدیگر شمرده است؟ یعنی همان انگیزه و هدفی که از گفت‌وگوی تمدن‌ها و آشنایی ملت‌ها با یکدیگر موردنظر است:

ای انسان‌ها، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم (پدر و مادر همه‌تان یکی است و یک خانواده هستید) و شما را به صورت شعبه‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (هدف اصلی از تکثر و تفاوت و تنوع ایجاد بستری برای شناخت و معارفه است) بدانید که گرمی‌ترین شما «نزد خدا با تقواترین شماست» (نه قدرتمندترین، ثروتمندترین، دانشمندترین...)^۳

آیا می‌دانید قرآن نه تنها به چشم رقیب و مخالف به کتاب‌های پیشین نگاه نکرده، بلکه خود را تصدیق‌کننده و «نگهبان» آنان معرفی نموده^۴ و در ۱۹ آیه «مصدق» بودن خود و آورنده‌اش را نسبت به تورات و انجیل مورد تأکید قرار داده است، تا به جای تفرقه و تعارض، وحدت و ائتلاف را از طریق گفت‌وگو موجب گردد.^۵

آیا می‌دانید قرآن همه شریعت‌ها را منشعب از جبرئیلی واحد دانسته و پیروان پیامبران مختلف را به جای نفی و انکار یکدیگر، به مسابقه در نیکی‌ها فرا خوانده است:

ما برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم، بی‌شک اگر خدا می‌خواست شما را امت واحدی قرار داده بود (یک دین برای کل دنیا). اما می‌خواهد شما را (در بسترهای مختلف و متنوع تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، نژادی و...) بیازماید. پس در خیرات (برگزیده‌ترین اعمال و شیوه‌ها) از یکدیگر سبقت بگیرید، مرجع (خط پایان مسابقه) شما بسوی خداست. و او شما را به این اختلافات آگاه خواهد ساخت (به اختلافات در دنیا فکر نکنید)^۶

برخلاف آنچه اکثر مردم می‌پندارند، ما «ادیان الهی» نداریم. دین الهی یکی بیش نیست که همچون رودخانه‌ای بزرگ شعبی به نام شریعت از آن منشعب می‌گردند. خداوند تأکید می‌نماید: ما همچنانکه در آغاز به نوح و پس از آن به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کردیم، برای شما نیز از «دین» شریعتی جاری ساخته‌ایم تا دین را بپا دارید و در آن متفرق نشوید...^۸

به این ترتیب اصل و اساس و مبدأ و مقصد همه شریعت‌ها یکی است و گفت‌وگو میان اعضای یک خانواده برای سرنوشت مشترک و تأثیرات متقابلی که دارند، طبیعی‌ترین توافقی است که باید انجام شود. با چنین دیدگاهی است که قرآن توصیه‌های ذیل را به مسلمانان مورد تأکید قرار می‌دهد:

۱. ایجاد «امنیت کافی» برای گفتمان با دگراندیشان

اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست، پناهی ده تا کلام خدا را بشنود. آنگاه او را به محل امن خویش برسان (تا از شر متعصبان ایمن باشد). این (مدارا) به این دلیل است که آن‌ها متردمی بی‌خبر هستند.^۹

هدف اصلی، انجام گفت‌وگو و ایجاد دیالوگ است تا بی‌خبران آگاه شوند. لازمه این کار تأمین شرایط آزاد و امنیت کافی برای تفکر و تصمیم‌گیری است. اگر اجباری در دین وجود داشت، به پیامبر توصیه می‌کرد در صورت انکار پس از استماع کلام خدا، گردنش را بزنا اما تصریح کرده او را به مأمن خویش برسان (تا فرصت کافی و آزاد برای اندیشیدن داشته باشد).

۲. آزادی اندیشه برای ملحدین

... کسانی را که در اسماء او کجروی (الحاد) می‌کنند به حال خود (آزاد) واگذار.^{۱۰}

کسانی که در اسماء ما الحاد می‌کنند بر ما پوشیده نیست. (کاسه داغ‌تر از آتش می‌باشد).

در مرحله اندیشه و اعتقاد، مادام که تهدید و تجاوزی عملی و علنی علیه مسلمانان نشده باشد، دگراندیشان میدان و مهلت فراخ و آزادی دارند، یعنی اجازه تکفیر و تفسیق به کسی داده نشده

است.

۳. غیر مجاز بودن بر هم زدن جلسه به بهانه انحراف افکار عمومی

در کتاب بر شما مقرر شده است که هر گاه در مجلسی کفران و استهزای نسبت به آیات خدا شنیدید، در چنین مجلسی (همراه آنان) منشینید تا آنکه در موضوع دیگری وارد شوند (بحث عوض شود).^{۱۲}

توصیه فوق کاملاً جنبه دفاع شخصی دارد و از تعصب و تنگ نظری گروه‌های فشار و افراد تحریک شده به دور است. آن‌ها آزاد هستند آنچه می‌خواهند بگویند، حسابشان با خداست. اما وظیفه ما، ترک جلسه به عنوان اعتراض به استهزاء است.

۴. تحمل و تقوا در برابر تهاجم فرهنگی و زخم‌زبان‌های دگراندیشان

... مسلماً شما از ناحیه کسانی که کتاب به آن‌ها داده شده و مشرکین آزار زیادی خواهی شنید، ولی اگر صبر (تحمل و مقاومت) کنید و پروا ننمایید (بر احساسات خود غلبه کنید) این رویه دلالت بر عزم و اراده داشتن در کارها می‌نماید.^{۱۳}

نقطه ضعف ما همین است که تحریک شویم و تحت تأثیر تبلیغات و ترفندهای موزیانه آن‌ها قرار بگیریم و حرکتی بکنیم و عکس‌العملی نشان بدهیم که مطلوب دشمنان است تا به این بهانه برنامه‌های خود را اجراء نمایند.

ما ممکن است با یک مقاله توهین‌آمیز، کتاب یا فیلم فسادآور از معتقدات دینی، مصاحبه موهن، گزارش گزافه‌آمیز تلویزیونی و... راهپیمایی راه بیندازیم و ناگهان روابط ریشه‌دار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، صنعتی خود را با کشوری قطع کنیم و کشور را از منافع گسترده ارتباطات بین‌المللی، به تحریک برخی توطئه‌های حساب شده دشمنان محروم و راه‌های تبادل و توسعه فرهنگی را مسدود نماییم. توصیه قرآنی همواره در مناسبات این چنینی خویشتن‌داری و تسلط بر عواطف و احساسات و نگهداری و مهار نفس از ارتکاب اعمال خلاف تقوا است.

۵. در گفتمان با دگراندیشان باید سعه صدر و تحمل تکذیب و تمسخر داشت

آنچه مأمور هستی آشکار ساز و از مشرکان اعراض کن. ما تو را از استهزاء کردن کفایت می‌کنیم... ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود (آزرده می‌گردد) ما به حمد پروردگارت تسبیح کن...^{۱۲}

نکند پاره‌ای از آنچه (در تحمل مخالفین) به تو وحی شده ترک کنی و از این‌که می‌گویند چرا گنجی بر او نازل نشده یا فرشته‌ای همراهش نیامده سینه‌ات تنگ گردد، بدان که تو فقط بیم دهنده هستی و تنها خدا عهده‌دار همه چیز است.^{۱۵}

در آیات متعددی پیامبر را از محزون شدن به دلیل اعتقادات و گفتار کفرآمیز منکران،^{۱۶} شتاب زدگی و عجله در برابر آن‌ها،^{۱۷} اندوه و حسرت به خاطر ناباوری و اعراض^{۱۸} و حریص بودن بر ایمان کسانی که هنوز تمایل و آمادگی پیدا نکرده‌اند^{۱۹} نهی کرده و بر صبر و تحمل در برابر آنچه می‌گویند توصیه نموده است.^{۲۰}

وقتی خداوند پیامبر را از موضع جباریت،^{۲۱} تکلف^{۲۲} و تحمیل، الزام^{۲۳} و اکراه^{۲۴} و احساس وکالت^{۲۵} و حفاظت^{۲۶} و سیطره^{۲۷} نسبت به ایمان مردمی نهی می‌کند، چگونه تعصب و تنگ‌نظری و احساس قیمومیت فکری و ولایت اعتقادی را می‌توان توجیه کرد و برای آن مبنایی شرعی تراشید؟

۶. ممنوعیت مجادله با اهل کتاب مگر با پسندیده‌ترین شیوه و تأکید روی مشترکات

هرگز با اهل کتاب مجادله نکنید، مگر با بهترین شیوه. البته به استثنای ستمگران آن‌ها. و... برای ایجاد وحدت و تألیف قلوب آنان بگویید: «به آنچه بر ما و آنچه بر شما نازل شده ایمان آورده‌ایم. خدای ما و خدای شما یکی بیش نیست و ما فقط تسلیم او هستیم».^{۲۸}

۷. دعوت، با حکمت و پند نیکو، نه دعوا با نفرت و شدت

آنها را به سوی پروردگار خویش با حکمت و اندرز نیکو دعوت کن و با آنان با بهترین شیوه ممکن مجادله کن. اگر هم مورد آزار و عقوبت قرار گرفتید، (فقط) به همان مقدار که عقوبت شده‌اید مجاز مقابله به مثل هستید و البته اگر تحمل کنید این کار برای صابران بهتر است...^{۲۹}

۸. تأکید روی مشترکات و دعوت به ائتلاف

بگو ای اهل کتاب، بیایید روی اصول مشترکی میان ما و شما (توافق کنیم که): ۱. جز خدای یکتا نپرستیم، ۲. هیچ چیز را با او شریک نگیریم، ۳. یکدیگر را به جای خدا ارباب نگیریم (شخص پرستی و شاه‌پرستی نکنیم). اگر آنها (از دعوت به توحید) روگرداندند، بگویید شاهد باشید که ما تسلیم (خدا و دستور او برای وحدت) هستیم.^{۳۰}

۹. اعلام صریح ایمان به سلسله پیامبران و تفاوت نگذاشتن میان آنان (در بحث با پیروان مذاهب)

بگو ما به خدا و به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی و پیام‌آوران از جانب پروردگارشان داده شده ایمان داریم و تفاوت و تمایزی میان هیچیک از آنان قائل نمی‌شویم. ما فقط تسلیم او هستیم (نه تعصبات قوی و نژادی).^{۳۱}

... (شما مسلمانان) بگویید ما به آنچه بر ما و آنچه بر شما نازل شده ایمان داریم. خدای ما و خدای شما یکی است و ما فقط تسلیم او (نه تمایلات خویش) هستیم.^{۳۲}

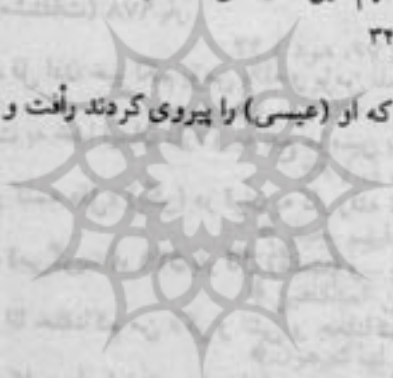
۱۰. احترام به کتب دینی دگراندیشان

اگر آنها (به راستی) تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان بر آنها نازل شده (قرآن) را

پیا می‌داشتند، بی‌تردید از بالا و پایین (آسمان و زمین) بهره‌مند می‌شدند. (البته) در میان آن‌ها افراد همفکر معتدلی وجود دارند، ولی بسیاری از آن‌ها بد عمل می‌کنند... بگو ای اهل کتاب شما بر چیزی نیستید (فاقد ارزشید) مگر آن‌که تورات و انجیل و آنچه را از جانب پروردگارتان برای شما نازل شده پیا دارید...^{۳۳}

۱۱. اکرام کشیش‌ها، ترسایان و علمای دینی

مسلماً نزدیک‌ترین آن‌ها به مؤمنین از نظر دوستی کسانی را خواهی یافت که می‌گویند ما نصارا (یاوران مسیح) هستیم. این (دوستی) از این روست که در میان آنان کشیش‌ها و ترسایانی هستند و تکبر نمی‌ورزند.^{۳۴}
... و در دل کسانی که او (عیسی) را پیروی کردند رأفت و رحمت را قرار داده‌ایم.^{۳۵}



مجموعه کتاب‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. نام «الله» جمعاً ۲۶۹۷ مرتبه و مشتقات کلمه قال (قالوا، يقولون، قل...) جمعاً ۱۷۲۱ مرتبه در قرآن به کار رفته است و نام «رب» (با همه مشتقات) ۹۷۸ بار.
۲. توبه / ۶۱: ﴿... يقولون هو اذن قل اذن خیر لکم یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین...﴾ می‌گویند او گوش است، بگو گوش خویس برای شما است به خدا ایمان دارد و به نفع مؤمنین باور دارد.
۳. خوب است بدانید اگر ۳۳۲ بار کلمه «قل» (بگو) در قرآن به کار رفته تقریباً معادل آن یعنی ۳۳۱ بار هم کلمه قالوا (گفتند)، ۹۲ بار يقولون (می‌گویند)، ۵۲۹ بار قال (گفت) و... به کار رفته است.
۴. حجرات / ۱۳: ﴿یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم﴾ حرف لام در کلمه «لتعارفوا» به اصطلاح مفسرین لام غایت است یعنی هدف و منظور اصلی «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» معارفه است در ضمن «تعارفوا» در باب تفاعل است که شناخت دو جانبه را «باگفتمان» می‌رساند.
۵. مائده / ۲۸: ﴿و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الكتاب و مهیماً علیه...﴾
۶. سوره‌ها و آیات: بقره / ۴۱، ۵۹، ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۱۰۱، آل عمران / ۳، ۵۰، ۸۱، نساء / ۲۷، ۶۹، مائده / ۲۶، ۲۸، انعام / ۹۲، یونس / ۳۷، یوسف / ۱۱۱، احقاف / ۱۲، ۳۰، صف / ۶.
۷. مائده / ۲۸: ﴿لکل جعلنا منکم شرعاً و منهاجاً و لو شاء الله نجعلکم امة واحدة و لکن لیبولکم فیما اتیکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعاً فینبشکم بما کتبتم فیہ تختلفون﴾.
۸. شوری / ۱۳: ﴿شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اتبعوا الدین و لا تتفرقوا فیہ... الی الله مرجعکم جمیعاً فینبشکم بما کتبتم فیہ تختلفون﴾.
۹. توبه / ۶.

۱۰. اعراف / ۱۸۰.
۱۱. فصلت / ۴۰.
۱۲. نساء / ۱۴۰.
۱۳. آل عمران / ۱۸۶.
۱۴. حجر / ۹۷.
۱۵. هود / ۲۲.
۱۶. سوره‌ها و آیات: حجر / ۸۸، لقمان / ۲۳، مائده / ۴۱، یونس / ۶۵، یس / ۷۶، انعام / ۳۳، نحل / ۱۲۷.
۱۷. احقاف / ۳۵، مریم / ۸۴.
۱۸. نحل / ۱۲۷، حجر / ۹۷، هود / ۲۲.
۱۹. یوسف / ۱۰۳، نحل / ۳۷، توبه / ۱۲۸.
۲۰. از جمله: طه / ۱۳۰، ق / ۳۹.
۲۱. ق / ۴۵: ﴿ما انت عليهم بجبار﴾.
۲۲. ص / ۸۶: ﴿ما انا من المتكلفين﴾.
۲۳. ﴿انلزمكموها و انتم لها كارهون﴾.
۲۴. یونس / ۹۹: ﴿افانئت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين﴾.
۲۵. انعام / ۱۰۷: ﴿ما انت عليهم بوكيل﴾.
۲۶. انعام / ۱۰۲: ﴿ما انت عليهم بحفيظ﴾.
۲۷. غاشیه / ۲۲: ﴿انست عليهم بمصيطر﴾.
۲۸. عنكبوت / ۴۶.
۲۹. نحل / ۱۲۵-۱۲۶.
۳۰. آل عمران / ۶۴.
۳۱. آل عمران / ۸۴.
۳۲. آل عمران / ۱۲۰.
۳۳. مائده / ۶۶-۶۹.
۳۴. مائده / ۸۲.